

پیامدها و آثار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در سطوح داخلی،
منطقه ای و بین‌المللی بر اساس نظریه الکساندر ونت
معزالدين باباخانی تیموری^۱، محمد فائقی^۲، اعظم قربانخانی^۳

۱۲

دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۱۵

صص: ۸۱-۹۹

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شابا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



DOI: 10.22080/jpir.2021.20271.1170

چکیده

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که در پی یک همه‌پرسی در سال ۲۰۱۶ رخ داده پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در پی داشته و برگزیت می‌تواند اثرات مهمی در آینده اتحادیه اروپا بگذارد. در این تحقیق با استفاده از روش سازه گرایی الکساندر ونت به پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا توجه شده است از انجایی که شیوه تحلیل سازه گرایی است تنها به پیامدهای مادی این خروج از اتحادیه اروپا توجه نشده است بلکه این پیامدها در حیطه معنا و فرهنگی و هویتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است از جمله تقویت جریان های راست گرایانه در داخل بریتانیا و مسئله مهاجران و بیکاری و گسترش تروریسم و بحران هویتی پدید آمده در داخل بریتانیا از مهمترین دلایل خروج از اتحادیه اروپا بوده است، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دارای چه سویه های مثبت و منفی در سطح روابط بین الملل می باشد؟ و فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا منجر به عدم انسجام گرایی در اتحادیه اروپا نیست بلکه سبب انسجام بیشتر اروپا خواهد شد در مورد مبارزه علیه تروریسم علی رغم کاهش نقش اروپا در شورای امنیت سازمان ملل به دلیل حق وتوی انگلستان و این خروج می تواند در جهت مبارزه با تروریسم و ایجاد فرایند صلح تاثیر گذار باشد در سطح اتحادیه اروپا و روابط بین الملل.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، برگزیت، بریتانیا، سازه گرایی، الکساندر ونت، تروریسم.

۱. دکترای علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
bteymouri@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای، گرایش اروپا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را می توان از ابعاد تاریخی و سیاسی، اجتماعی و بین المللی مورد بررسی قرار داد. از نظر تاریخی بریتانیا از زمان جنگ جهانی دوم تمایلی به عضویت در اتحادیه اروپا نداشته است و سیاستمداران بریتانیایی حاضر نبودند پول مشترک با اتحادیه اروپا داشته باشند. از نظر اجتماعی سیل حرکت مهاجران از اروپای شرقی و سایر کشورهای جهان از جمله خاورمیانه در اروپا سبب پیامدهای هویتی و مقابله ایی با بیکاری و جلوگیری گسترش تروریسم در انگلستان شد و باعث تقویت جریان های ملی گرایانه و راست گرایانه در این کشور شد و به نظر می رسد یکی از عوامل مهم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بوده است، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تأثیراتی از بعد داخلی و منطقه ای و بین المللی داشته است که در این پژوهش از طریق روش سازه گرایی الکساندر ونت به این مسائل پرداخته شده است. سوال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه: پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دارای چه سویه های مثبت و منفی می باشد؟ و فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه: خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا منجر به عدم انسجام گرایی در اتحادیه اروپا نیست بلکه سبب انسجام بیشتر اروپا خواهد شد در مورد مبارزه علیه تروریسم علی رغم کاهش نقش اروپا در شورای امنیت سازمان ملل به دلیل حق وتوی انگلستان و این خروج می تواند در جهت مبارزه با تروریسم و ایجاد فرایند صلح تاثیر گذار باشد در سطح اتحادیه اروپا و روابط بین الملل.

پیشینه تحقیق

۱-عابدینی(۱۳۹۶:۴۷۹-۴۵۹)در مقاله تحت عنوان "آثار حقوقی بین المللی خرج بریتانیا از اتحادیه اروپا" به ساختار حقوقی، سیاسی، اقتصادی اتحادیه اروپا و همچنین بابررسی شرائط خروج از اتحادیه اروپا، آثار حقوقی جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا پرداخته است. این پژوهش تنها از نظر حقوقی به پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا پرداخته است در حالیکه این پژوهش از بعد هویت که باعث شکل گیری منافع و هنجارها می شود به پیامدهای این خروج پرداخته است.

۲-صباقیان و باقری (۱۳۹۶:۹۴۱-۹۶۸)در مقاله ایی تحت عنوان "بررسی و تحلیل ساختارمند روابط بریتانیا و اتحادیه اروپا" از عضویت تا برگزیت براساس رویکردهای بین حکومت گرایی و فراملی گرایی

به مساله برگزیت پرداخته است. در این پژوهش بیشتر از رویکرد ساختارگرایی به مساله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا توجه شده است و به تعامل بین ساختارها و کارگزاران بین‌المللی توجهی نشده است. در حالیکه در این پژوهش به این تعامل توجه شده است.

۳- ابوالحسن شیرازی (۱۵۷: ۱۳۹۶-۱۸۵) در مقاله ایی با عنوان "مرکزیت و پیامدهای حقوقی، ژئوپولیتیکی و سیاسی و امنیتی آن" با مبنا قرار دادن "نظریه های همگرایی" به بیان پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا پرداخته است، به نظر می رسد که این مقاله تنها از طریق بررسی کارگزاران به مساله اتحادیه اروپا پرداخته است زیرا نظریه همگرایی در عرصه لیبرالیسم مطرح است و لیبرالیسم روابط بین‌الملل تنها از وجه "کارگزاران (Agent)" مورد بررسی قرار می دهد، در حالیکه پژوهش حاضر از طریق روش ونت به تعامل بین کارگزاران با ساختار و تحول در ساختار توجه دارد.

۴- حاتم زاده و نور علی وند (۱۶۱: ۱۳۹۷-۱۶۴) با عنوان "روابط فراآتلانتیک پس از برگزیت و ترامپ، پیامدهایی برای ایران" از وجه همگرایی و واگرایی در روابط فراآتلانتیک به بررسی برگزیت پرداخته است. این پژوهش بیشتر از منظر سخت افزاری و مادی به پیامدهای خروج اتحادیه اروپا پرداخته اند و بعد فرامادی را در نظر نگرفتند.

۵- پروفسور ریچارد کی در نشریه چاتم هاوس انگلستان بیان می نماید که برگزیت سبب بلا تکلیفی اقتصادی در بریتانیا و اتحادیه اروپا شده است وی باور دارد که در آینده شاهد روابط نزدیکی بین اتحادیه اروپا و بریتانیا خواهیم بود زیرا این موضوع هم به نفع اروپا است و هم به نفع بریتانیا است. این گزارش و تحلیل سیاسی که در سال ۲۰۲۱ در چاتم هاوس انگلستان به چاپ رسیده است تنها از بعد اقتصادی به پیامدهای خروج بریتانیا و آینده این خروج در تعاملات بریتانیا و اتحادیه اروپا توجه داشته است.

چهارچوب نظری

نظریه سازه انگاری

الکساندر ونت متفکر اصلی نظریه سازه انگاری (Constructivism) در روابط بین‌الملل محسوب می شود. دغدغه ونت ایجاد راهی میانه یا پلی بین دو جریان اصلی مناظره کنونی حاکم بر روابط بین‌الملل یعنی خردگرایی و انعکاس گرایی است. مقاله حاضر ضمن ارائه تصویری مختصر از نظریه سازه انگاری ونت، چگونگی برآمدن این رهیافت و کاستی های مفهومی و تجربی آن برای دستیابی به یک

راه میانه یا نظریه جدید در روابط بین الملل را مورد واکاوی قرار می دهد. در این مقاله نشان داده می شود که پوشش فکری ونت به تقویت جایگاه فرهنگ و هویت و چگونگی تأثیرگذاری این مؤلفه ها بر منافع و رفتار بازیگران انجامیده است. با این حال کاستی های سامان فکری - فلسفی ونت از حیث فقدان توانمندی در ارائه یک دستور کار تحقیقاتی و گزاره های قابل ارزیابی علمی، گذار از دوگانگی ماتریالیسم/ایده آلیسم و دستیابی به راه میانه در فرآیند نظریه پردازی روابط بین الملل را مبتنی بر اندیشه وی با امتناع مواجه می سازد. نقد و بررسی آراء ونت در مقاله حاضر با تمرکز بر اثر اصلی وی یعنی کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین الملل» صورت می گیرد. (Mine, 2012: 85).

مجموعه تلاش های فکری انجام گرفته در روابط بین الملل به نظریه های انجامیده است که بر اساس نسبت آنها با جهان (مسایل معرفت شناسی) به نظریه های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم اند. نظریه های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت ها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه های تاسیسی قرار می گیرند قائل به این امر می باشند که واقعیت ها و روابط میان ملت ها از طریق زبان، ایده ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت ها پدیده ها و رفتارهای بین المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می گیرد از این طرح نو تحت عنوان سازه انگاری یاد برده می شود.

سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین الملل در جامعه شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است.

این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می کند، که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید. سازه انگاری به این امر می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند.

در سازه انگاری از آن جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت های بین الملل کارگزاران بر اثر جامعه پذیری درون جامعه بین الملل حاصل می‌شود. نگاه سازه انگاران به هنجار ها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تاکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال ها دارند اینست که لیبرالها بر جنبه تنظیمی هنجارها تاکید دارند در حالی که سازه انگارها علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایند های مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت هنجارها تاکید کرده اند.

سازه انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد ولی بدنال ناتوانی تئوری های سستی در پیش بینی تحولات جهانی، توسط اندیشمندان دیگر رشد و گسترش یافت و در حال حاضر یکی از تئوری های غالب در روابط بین الملل می‌باشد. از اندیشمندان برجسته سازه انگاری در روابط بین الملل می‌توان به استفان وارینگ، میچل بارنت، نیکلاس اونف، کاتزنساین، راگی، ویور، چکل و اتونی کلارک اشاره کرد. (Erdogan, 2014: 79-86)

سازه گرایی نظریه روابط بین الملل است که انتقادی به نظریه لیبرالیسم و رئالیسم می‌نماید که در ابتداء توسط نیکلاس اونف در سال ۱۹۸۹ میلادی پدید آمد (فیریک، ۲۰۱۶، ۱۶۱). شکل گیری سازه انگاری را می‌توان در اثر حوادث سیاسی -تاریخی نظیر فروپاشی دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ناتو ذکر نمود. از نظر سازه گرایی تمرکز نه در ساختارهای نظام بین الملل، بلکه بر تعامل بین ساختار و کارگزار تاکید می‌نماید. (برانت، ۲۰۱۷، ۱۴۸). به اعتقاد الکساندر ونت، سازه گرایی یک تئوری ساختاری مبتنی بر کنشگران اجتماعی است و آنچه ما را تحت عنوان دولت یا منافع ملی می‌شناسیم، نتیجه هویت های اجتماعی کنشگران است. (دورتی و پفلتزگرافی، ۲۰۰۱: ۱۶۶). ونت در ابتدا دو مفروضه اصلی نئولیبرالیسم را پذیرفت که دولت ها مهم ترین بازیگران نظام بین الملل محسوب می‌شوند، به عبارت دیگر اصل دولت محوری را می‌پذیرد و به این معنا که دولت ها شکل مسلط و دارای سوژگی هستند در دنیای معاصر و ابزار تنظیم خشونت رادر اختیار دارند. ۲- طرح مبتنی بر نظام دولت ها، به اعتقاد ونت دولت ها به ندرت در انزوای کامل از یکدیگر به سر می‌برند آن ها در نظام های نسبتاً با

ثباتی شامل دولت های دیگری که بر رفتار آن ها تاثیر می گذارند قرار دارند، آنچه ونت را از رئالیست ها جدا می نماید این است که ونت به تاثیر علی ساختار بر کارگزار اهمیت نمی دهد و به دیالکتیک ساختار و کارگزار باور دارد.

ونت همچنین نظام بین الملل را پدیده ای اجتماعی می داند و ساختار نظام بین الملل را مبتنی بر شناخت مشترک می داند. در واقع باورها و انتظاراتی که دولت ها در مورد یکدیگر دارند، ماهیت نظام بین الملل را تعیین می نماید و عمدتاً ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است و نه مادی صرف که تعیین کنند قواعد تنظیمی و بستری است که کشورها در فرهنگ آنارشی حاکم بر بستری که قرار دارند که شامل فرهنگ آنارشی هابزی، لاکی و کانتی است دست به ایجاد کنش و بینا ذهنیت های جدید می زنند. (عسگر خانی، ۱۹۷، ۱۳۸۹).

در مورد مساله برگزیت بر مبنای سازه انگاری ونت می توان از دو وجه داخلی و تاکید بر ناسیونالیسم ملی مردم بریتانیا و اینکه اتحادیه اروپا خود مانعی جهت تعامل بین المللی بریتانیا و توسعه این کشور بوده است و در این راستا گرایشات فرااتلانتیک گرایی بریتانیا و توجه این کشور را به ایالات متحده امریکا به خصوص در دوران ریاست جمهوری ترامپ می توان مورد بررسی قرار داد و وجه داخلی می توان به گسترش ملی گرایی و سقوط ارزش پوند اشاره نمود، در مقطع یک سال پس از برگزیت سهم پوند بریتانیا در پرداخت های مالی از ۸،۴۳ درصد به ۷،۰۷ رسید، درحالی که سهم ارزهایی مانند یورو، ین و یوان افزایش پیدا نمود.

در مورد نسبت سازه گرایی و مساله برگزیت می توان به پیامدهای داخلی برگزیت و همچنین پیامدهای خارجی برگزیت که شامل پیامد: منطقه ای، ملی، بین المللی است اشاره نمود. که در ادامه به این پیامدها می پردازیم.

بررسی آثار و پیامدهای داخلی برگزیت از نظر اجتماعی و سیاسی

یکی از اصلی ترین دلایل خروج انگلستان از اتحادیه اروپا موضوع مهاجرت گسترده ورود آرگان به این اتحادیه است و همچنین نسبت این مهاجرت ها با رویدادهای تروریستی نظیر داعش و سایر گروه های تروریستی در سطح بین المللی می توان قلمداد نمود. از این رو می توان با پیش کشیدن مفهوم هویت به تبیین بهتری برای این رویداد رسید، مساله هویت در نظریه های سازه گرایی ونت مطرح است

از نظر وی مطالعه اندیشه‌ها و هنجارها می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر ارتقاء فهم کنش‌گران از تعامل هنجارهای بین‌المللی و مناسبات داخلی داشت، از نظر ونت دولت با مناسباتش هستی می‌یابد. در اثر تعاملات دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی (Agent) با ساختار نظام بین‌الملل (strucrer)، هویت‌ها در شرائط آنارشی بین‌المللی شکل می‌گیرد که هویت‌ها در اثر شرائط تکوین می‌یابد، در انگلستان از طریق ورود مهاجران به اتحادیه اروپا از طریق کشورهای دیگر به خصوص خاورمیانه و اروپای شرقی از نظر اجتماعی بیکاری در انگلستان افزایش یافت و در بسیاری از کارها مهاجران به جای انگلیسی‌ها کارها را عهده‌دار شدند و خود انگلیسی‌ها بیکار شدند و از بعد سیاسی نیز با افزایش تروریست در سطح جهان که از میان مهاجران نیز حملاتی تروریستی در کشورهای اتحادیه اروپا رخ نمود لذا هویتی برساخته شد (construct) شد در داخل بریتانیا مبنی بر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و به نظر می‌رسد اصلی‌ترین عاملی که باعث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شد مساله مهاجرت که پیامدهایی نظیر بیکاری و تروریسم داشته است بوده است و این وضعیت سبب توجه بیشتر به احیا ملی‌گرایی و توجه به هویت ملی در انگلستان شد و به تعقیب منافع از طریق به رسمیت شناختن هویت ملی اهتمام بیشتری حاصل شد.

از پیامدهای برگزیت برای سیاست داخلی بریتانیا می‌توان از تغییر کابینه و تحولات نهادهای حاکمه در انگلستان نام برد، دیوید کامرون که از سرسخت‌ترین افراد طرح ماندن در اتحادیه اروپا بود، با مشخص شدن نتایج آرای همه‌پرسی اعلام استعفا نمود و خانم ترزا می از حزب محافظه کار جانشین وی شد. (Mine, ۲۰۱۸: ۱۴۰). از پیامدهای سیاسی برگزیت برای بریتانیا می‌توان از احتمال جدایی اسکاتلند از ایرلند شمالی و منطقه جبل‌الطارق اشاره نمود،

با توجه به اینکه ۶۲ درصد اسکاتلندی‌ها، ۵۵٫۷ درصد ایرلندی‌ها و همچنین حدود ۹۵٫۹ درصد مردم منطقه جبل‌الطارق در رفراندوم برگزیت، مخالف آن بوده‌اند، احتمال تقویت گرایش‌ها و احزاب جدایی‌طلب در این کشورها افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۴ نیز که همه‌پرسی جدایی اسکاتلند از بریتانیا برگزار شد، یکی از علل عمده‌ای که باعث شد اکثریت مردم اسکاتلند، به طرح استقلال از بریتانیا رأی منفی بدهند، منافع اقتصادی ناشی از روابط بین این دو بود. در این شرایط روابط اسکاتلند با انگلستان باقی خواهد ماند؛ اما روابطش با اتحادیه اروپا به شدت کاهش خواهد یافت. همچنین یکی از علل اصلی کاهش تنش‌ها در ایرلند شمالی «پیمان جمعه نیک» بود که در سال ۱۹۹۸ بین جناح‌های

مختلف ایرلند شمالی و همچنین انگلستان به امضا رسید. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این پیمان را به مخاطره می‌اندازد و ممکن است مجدداً در آنجا تنش‌هایی در راستای جدایی از بریتانیا شکل بگیرد. (Mine, ۲۰۰۹: ۱۱۵).

همچنین می‌توان به تاثیرگذاری برگزیت بر رابطه بین ایرلند شمالی و جنوبی اشاره نمود، مسئله ایرلند شمالی و نحوه ارتباط آن با ایرلند جنوبی و همچنین بریتانیا و اتحادیه اروپا یکی از جدی‌ترین چالش‌های بریتانیا در مذاکرات برگزیت بوده است. در حال حاضر روابط بین ایرلند شمالی و جنوبی در عالی‌ترین سطوح خود قرار دارد؛ به نحوی که هیچ پاسگاه و پست مرزی در گذرگاه‌های مرزی بین دو کشور وجود ندارد. این شرایط ناشی از عضویت دو کشور در اتحادیه اروپا و توافقات بین بریتانیا، ایرلند شمالی و ایرلند جنوبی بوده است؛ درحالی‌که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، مجدداً باعث مطرح شدن مسائل مرزی بین ایرلند شمالی و جنوبی می‌شود؛ مسئله‌ای که پتانسیل تبدیل به یک بحران جدید را دارد. (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۴۵).

پیامدهای اقتصادی برگزیت برای بریتانیا، اتحادیه اروپا و سایر کشورها

از پیامد اقتصادی برگزیت برای بریتانیا را می‌توان از کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های پیش‌بینی می‌شود، دولت بریتانیا را با کمبود منابع مالی بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ مواجه نمود و شکاف رو به رشدی بین درآمد و مخارج دولت سبب کسری بودجه در سال ۲۰۲۰ منجر شد که همین مساله باعث سقوط بورس لندن شد. (رفیعی، ۱۳۹۶: ۳۷).

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دارای آثار و پیامدهای منفی فراوانی بر اقتصاد بریتانیا و شرکای تجاری آن است. چراکه باعث میشود تا دامنه تجاری این کشور بسیار محدودتر از سابق شود. درباره آثار اقتصادی خروج از اتحادیه در داخل بریتانیا، نهاد نظر بر مصرف بودجه بریتانیا اعلام کرده که اگر این کشور از اتحادیه اروپا خارج شود، دچار رکود اقتصادی و متحمل زیان ۳۰ میلیارد پوندی خواهد شد. بر اساس پیش‌بینی بانک مرکزی بریتانیا، یکی از پیامدهای خروج از اتحادیه اروپا، کوچک‌تر شدن ۲ تا ۸ درصدی اقتصاد این کشور در پانزده سال آینده خواهد بود که سبب کند شدن رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و کشورهایی می‌شود که تجارت گسترده‌ای با بریتانیا دارند. (www.csr.ir/department.aspx).

گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول درباره پیامدهای برگزیت نشان می‌دهد که رشد اقتصادی انگلیس در سال ۲۰۲۰، با کاهش ۲ درصدی مواجه خواهد شد. همچنین بر اساس گزارش موسسه «برای دولت» بریتانیا که گزارشی با عنوان «برگزیت: حقوق گمرکی» تنظیم کرده است، با اجرای برگزیت حدود ۱۸۰ هزار تاجر بریتانیایی که تاکنون با اتحادیه اروپا همکاری می‌کنند، پس از برگزیت برای نخستین بار با مشکلات گمرکی مواجه خواهند شد و تخمین زده می‌شود که این موضوع سالیانه چهار میلیارد پوند برای آن‌ها هزینه خواهد داشت. (www.csr.ir/department.aspx). دولت بریتانیا تخمین زده که پس از برگزیت، سالیانه حتی بیش از ۲۰۰ میلیون اظهارنامه گمرکی در این کشور صادر شود. بر اساس این گزارش، برآورد شده که تنظیم این اظهارنامه‌ها هرکدام هزینه‌ای بین ۲۰ تا ۴۵ پوند در برداشته باشد و کل هزینه‌های مربوط به آن بین ۴ تا ۹ میلیارد پوند خواهد بود. (<http://www.meforum.org>) مرکز ملی آمار این کشور در گزارشی اعلام کرده است نرخ رشد اقتصادی بریتانیا در سه ماهه منتهی به سپتامبر امسال (۲۰۱۹) در مقایسه با همین مدت در سال پیش (نقطه به نقطه) به یک درصد رسیده است، این رقم در سه ماهه دوم سال ۳/۱ درصد بود از سوی دیگر یکی از تحلیلگران مربوط به امور ارزی بانک کومرس لمان درباره پیامدهای منفی برگزیت بر اقتصاد بریتانیا گفته است که این خروج می‌تواند باعث شود که ۲۵ درصد از ارزش پوند بریتانیا از دست برود. (<http://www.igeme.org.tr.php>) این وضعیت می‌تواند منجر به استقلال اسکاتلند و ایرلند شمالی از بریتانیا شود. این شرایط باعث می‌شود تا بریتانیا که تبدیل به یک انگلستان کوچک شده است، بیش از هر زمانی دیگری به جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا نیاز داشته باشد.

در خصوص تأثیر برگزیت بر شرکای تجاری بریتانیا باید گفت بنا به آمار و مستندات روزنامه‌های فرانسوی، نخستین تبعات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، با کاهش تجارت خارجی فرانسه پدیدار شده است. به نوشته روزنامه فرانسوی تربیون از ماه آوریل ۲۰۱۷ نرخ کاهش صادرات فرانسه به بریتانیا که در اثر برگزیت به وجود آمده است، دو برابر بیشتر از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است. (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

همچنین موسسه تحقیقاتی پروگنی در این زمینه گزارش داده است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دارای تبعات منفی بر بازار اقتصادی آلمان می‌باشد. بنا به گفته کارشناسان، برگزیت موجب شده است که حدود هفتاد هزار نفر کار خود را در آلمان از دست بدهند. (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۲)

در خصوص پیامدهای خروج بدون توافق بریتانیا از اتحادیه اروپا لازم است به این نکته اشاره شود که مارک کارنی، رئیس بانک مرکزی بریتانیا با هشدار نسبت به نادیده گرفتن پیامدهای برگزیت بدون توافق گفت که چنین کاری آسیب جدی و ریسک‌های فراوانی برای اقتصاد بریتانیا در بر خواهد داشت و ارزش پوند کاهش یافته و نرخ تورم صعودی خواهد شد. (همان: ۴۵)

همچنین دفتر مسئولیت بودجه‌ای بریتانیا ضمن اخطار نسبت به آسیب‌های جدی اقتصادی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) بدون دستیابی به توافق با این اتحادیه گفته است که در صورت خروج سخت بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور دچار رکود اقتصادی و آسیب ۳۰ میلیارد پوندی خواهد شد. تحت چنین شرایطی دولت بریتانیا باید نسبت به تأمین کسری بودجه خود، به استقراض از طریق صدور و فروش اوراق قرضه مبادرت کند که این وضعیت باعث می‌شود تا به بدهی ملی این کشور افزوده شود در این رابطه آنکتاد رکن توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) اخیراً با انتشار گزارشی هشدار داده است که: خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بدون توافق تجاری می‌تواند حداقل موجب کاهش صادرات ۱۶ میلیارد دلاری بریتانیا به اتحادیه اروپا شود. این رقم معادل ۷ درصد کل صادرات بریتانیا به اتحادیه اروپا است. به اعتقاد کارشناسان آنکتاد، رقم ۱۶ میلیارد دلار یک برآورد کاملاً محافظه‌کارانه است و تنها شامل افزایش تعرفه‌های وارداتی اتحادیه اروپا بر کالاهای بریتانیا خواهد بود. (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

از سوی دیگر خروج بدون توافق بریتانیا از اتحادیه اروپا به این معنی است که ترتیبات قانونی که شامل بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره شهروندان بریتانیایی می‌باشد به ناگهان متوقف خواهند شد. این امر همچنین تغییر قابل توجهی در روابط تجاری بین بریتانیا و اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند. مخالفان می‌گویند قیمت‌های بالاتر و کمبود کالاهای اساسی می‌تواند در زمره پیامدها و تبعات خروج بدون توافق از اتحادیه اروپا برای بریتانیا باشد. از سوی دیگر تحلیلگران اقتصاد بین‌المللی معتقدند که یک برگزیت بدون توافق می‌تواند منجر به افزایش قیمت دلار در برابر پوند و یورو شود و به تبع این شرایط، تولیدکنندگان آمریکایی که به بریتانیا جنس می‌فروشند، ناگهان با یک مانع روبه‌رو می‌شوند، چراکه کالاهای آمریکایی گران‌تر می‌شوند. (Erdogan, ۱۹۹۹: ۲۹-۳۰) همچنین

در خصوص تبعات برگزیت بر تجارت بریتانیا با چین باید گفت که این فرآیند حامل فرصتها و تهدیداتی به شرح ذیل برای چین است:

۱- اگر بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک کند، بزرگ‌ترین مشارکت تجاری در جهان را ترک می‌کند. علاوه بر این، اگر اتحادیه اروپا دسترسی مطلوب‌تری را برای شرکت‌های اروپایی به بازارهای چین فراهم کند، بریتانیا کنار گذاشته خواهد شد. برخی معتقدند که خروج از اتحادیه اروپا فرصتی را برای بریتانیا ایجاد می‌کند تا مذاکرات تجاری خود با چین را جایگزین منافع تجاری خود با اتحادیه اروپا کند. با این حال منتقدین این دیدگاه هشدار می‌دهند که به دلیل کوچک بودن بازار بریتانیا، ممکن است چین علاقه بیشتری به مذاکره با اتحادیه اروپا نشان دهد. (لواسانی، ۱۳۸۴: ۹۹)

۲- خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا برای چین که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی را در انگلستان کرده است، به معنی محرومیت از دروازه راهبردی بازارهای اتحادیه اروپا با ۵۰۰ میلیون نفر مشتری است. پس از اعلام تصمیم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و آشفتگی در بازارهای جهانی، ارزش واحد پول چین به کمترین حد خود ظرف سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ رسیده بود. این در حالی است که در سال ۲۰۱۷ مقامات چینی برای حفظ ارزش پول این کشور وارد عمل شدند. این بحران اقتصادی و از دست دادن بازارهای اروپا در حالی برای چین که بزرگ‌ترین رقیب آمریکا در سطح جهان است رخ می‌دهد که سرعت رشد اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته و این کشور شدیداً نیازمند یافتن شرکای تجاری و اقتصادی در جهان بود. کاهش حضور شرکت‌های چینی در بازارهای اروپایی و یا حداقل بروز وقفه در این روند، به معنی جایگزین شدن آمریکا به جای چین در بازارهای اروپا است. از پیامدهای دیگری که تاثیر گذار است درمورد خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌توان به تغییرات شاخص بورس لندن اشاره نمود که احتمال دارد بورس اگلیس با افت مواجه شود. همچنین می‌توان به خرج شرکت‌های چند ملیتی از انگلستان اشاره نمود.

بررسی آثار برگزیت در سطح منطقه ای

بریتانیا، فرانسه، آلمان کشورهای کلیدی در اتحادیه اروپا هستند از جمله عواقب خروج انگلیس برای اتحادیه اروپا هستند از جمله عواقب خروج انگلیس برای اتحادیه اروپا آن است که از آن جا که انگلستان دارای حق وتو است در شورا امنیت سازمان ملل متحد، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا باعث تضعیف اتحادیه اروپا در شورای امنیت سازمان ملل می‌شود و باعث کاهش وزن اتحادیه اروپا در سازمان ملل می‌شود.

حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا یکی از نقاط قوت اتحادیه اروپا محسوب می‌شد. این کشور علاوه بر اینکه عضو دائم شورای امنیت است، جایگاه پنجمین اقتصاد بزرگ جهان (پس از آمریکا، چین، ژاپن و آلمان) و دومین اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا را نیز دارد. بریتانیا ۱۶ درصد کل اقتصاد اتحادیه اروپا را در بر می‌گیرد. بر این اساس خروج این کشور، حجم اقتصاد اروپا را به شکل قابل توجهی کاهش خواهد داد تا جایی که به احتمال زیاد، اقتصاد اتحادیه به عنوان بازیگری مستقل که سال‌ها در رده دوم قرار داشت، به رده سوم، پس از آمریکا و چین سقوط می‌کند. بریتانیا در شاخص‌های جمعیتی نیز یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اتحادیه است تا جایی که ۱۳ درصد کل جمعیت اتحادیه اروپا، بریتانیایی هستند و خروج این کشور از اتحادیه، جمعیت آن را به زیر ۵۰۰ میلیون نفر کاهش خواهد داد؛ بنابراین خروج یکی از مهم‌ترین اعضای اتحادیه اروپا از آن، منجر به تضعیف بیشتر اتحادیه می‌شود. (نورالدین و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) از دیگر پیامدهای برگزیت می‌توان به کاهش دخالت بریتانیا در کشورهای دیگر دانست (محمدی، ۱۴۰: ۱۹۸)

همچنین خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را می‌توان نخستین خروج از اتحادیه دانست که ممکن است راه را برای خروج سایر کشورها نیز هموار سازد. از هم‌اکنون نیز مباحثی پیرامون «فرگزیت» (خروج فرانسه از اتحادیه)، «نرگزیت» (خروج هلند) و برخی دیگر از کشورها مطرح شده است که به قدرت رسیدن راست‌گرایان در این کشورها در آینده، می‌تواند احتمال این پیامد را افزایش دهد. سرایت برگزیت به سایر کشورهای اتحادیه اروپا در نهایت می‌تواند منجر به فروپاشی اتحادیه اروپا شود.

بررسی پیامدهای خروج بریتانیا در ارتباط با آمریکا

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور را با خلأ ائتلافی مهمی در سیاست خارجی خود مواجه می‌سازد. به همین دلیل بریتانیا در تلاش است تا با تقویت اتحاد خود با آمریکا و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع این خلأ را برطرف سازد؛ بنابراین در صورت تکمیل فرایند برگزیت، شاهد تغییر ترکیب و جایگاه متحدان بریتانیا و اولویت دادن به روابط آتلانتیکی بین بریتانیا و آمریکا، در کنار کشورهای مشترک‌المنافع خواهیم بود. این اثر به‌خصوص با توجه به تداوم حزب محافظه‌کار در دولت بریتانیا به صورت جدی‌تری دنبال می‌شود.

از زمان جنگ سرد، شبکه ائتلافی غرب، با اتکا بر استراتژی امنیت مشارکتی و در قالب رژیم‌های بین‌المللی و نهادهای نظامی همچون ناتو، اشتراک نظر زیادی در امور بین‌المللی داشته است. هدف اصلی این استراتژی، کارآمد ساختن مقابله با تهدیدات امنیتی در سطح جهانی است که نظم غرب‌محور را تهدید می‌کند. وقوع برگزیت ضمن تضعیف شبکه ائتلافی غرب، باعث ایجاد نظامی دوگانه از استراتژی‌های امنیت مشارکتی با محوریت دو بازیگر اساسی شامل آمریکا و اتحادیه اروپا خواهد شد. (حسین زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۸)

دیوید برسو اقتصاددان ارشد آمریکایی معتقد است خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در کوتاه‌مدت تأثیرات منفی بر اقتصاد آمریکا خواهد داشت. اما در درازمدت باعث ایجاد مزایای اقتصادی فراوانی برای واشنگتن خواهد شد. بر اثر ناامنی‌های ایجادشده در اقتصاد انگلستان، بسیاری از سرمایه‌گذاران سعی خواهند کرد تا سرمایه‌های خود را به بازارهای امن منتقل کنند. (<http://www.brookings.edu/fp/cuse/analysis/index>)

قطعاً برای بسیاری از این دارایی‌ها بازار آمریکا مطلوب‌تر خواهد بود. چون سایر کشورهای اروپایی نیز به‌اندازه بریتانیا فاقد امنیت اقتصادی خواهند بود. راهی شدن این دارایی‌ها به اقتصاد آمریکا، آثار مثبت فراوانی برای اقتصاد این کشور در بر خواهد داشت. از سوی دیگر در صورت عدم انعطاف‌پذیری اتحادیه اروپا در مبادلات تجاری خود با بریتانیا و عدم اتخاذ سیاست تجارت آزاد با این کشور، این شرایط باعث می‌شود تا شرکت‌ها و تجار آمریکایی خلاً نبود اروپایی‌ها را در بریتانیا را پوشش دهند. (محمّدی، ۱۳۲۲: ۷۶-۷۵)

از سوی دیگر برگزیت می‌تواند دارای تأثیرات منفی گسترده‌ای روی تجارت و اعتمادبه‌نفس سرمایه‌گذاران از طریق ایجاد شوک‌های اقتصادی در بازارهای مالی جهانی باشد. برای مثال باعث می‌شود که خرید کالاهای آمریکایی برای خریداران گران‌تر تمام شود. اقتصاددانان معتقدند که این امر می‌تواند صادرات آمریکا را کاهش دهد و به‌طور بالقوه کسری تجاری را افزایش دهد. در صورتی که رئیس‌جمهور آمریکا اصرار دارد که این کسری تجاری کاهش یابد. اما از سوی دیگر نخست‌وزیر بریتانیا به دنبال الگو قرار دادن تجارت جدید با آمریکا به‌عنوان نمونه‌ای از مزایای خروج از اتحادیه اروپا است که سیاست تجارت را برای ۲۸ عضو خود تعیین می‌کند. (Erdogan, ۲۰۱۴: ۲۹-۳۰)

از سوی دیگر مذاکره‌کنندگان آمریکایی و انگلیسی پس از شروع فرایند برگزیت شش بار تاکنون در این سه سال و نیم با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. حجم تجارت کالاها و خدمات بریتانیا با اتحادیه اروپا، در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار است. این میزان بسیار بیشتر از رقم تجارت ۲۶۲ میلیارد دلاری این کشور با آمریکا است. بنابراین این نکته کاملاً آشکار و مبرهن است که دولت آمریکا به دنبال جایگزینی خود به جای اروپا است و دقیقاً به همین دلیل دونالد ترامپ از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا حمایت می‌کند. ایالات متحده آمریکا در هفت ماهه اول سال ۲۰۱۹ میلادی، در تجارت کالا و خدمات مازاد تجاری اندکی کمتر از ۳ میلیارد دلار به دست آورده است. در صورتی که آمریکا تا ماه جولای سال ۲۰۱۹ (تیر ۱۳۹۸) دارای کسری ۵۰۰ میلیارد دلاری با جهان بوده است.

(<http://www.turkishembassy.org/governmentpolitics/index>)

در واقع بر خلاف وضعیت مبادله تجاری آمریکا با سایر کشورها که دارای کسری تجاری و موازنه منفی به ضرر آمریکا است، این کشور در اثر برگزیت توانسته است مبادله تجاری خود با بریتانیا را بهبود داده و موازنه آن را به نفع خود مثبت نماید.

برخلاف ابراز نگرانی‌های اعلامی کاخ سفید، خروج بریتانیا از اتحادیه موجب افزایش سهم آمریکا از بازارهای اروپا و بریتانیا و تعمیق وابستگی آن‌ها به واشنگتن خواهد شد. برخلاف ادعاهای مقامات خزانه‌داری آمریکا درباره تأثیرات منفی خروج بریتانیا، این فرآیند باعث تشدید وابستگی امنیتی بریتانیا و اتحادیه اروپا به واشنگتن خواهد شد. (Rubin, ۲۰۰۹: ۷۷)

وضعیت آمریکا در برگزیت به گونه ایی است که برخلاف ابراز نگرانی‌های اعلامی کاخ سفید، خروج بریتانیا از اتحادیه موجب افزایش سهم آمریکا از بازارهای اروپا و بریتانیا و تعمیق وابستگی آن‌ها به واشنگتن خواهد شد. برخلاف ادعاهای مقامات خزانه‌داری آمریکا درباره تأثیرات منفی خروج بریتانیا، این فرآیند باعث تشدید وابستگی امنیتی بریتانیا و اتحادیه اروپا به واشنگتن خواهد شد.

از دلایل این وابستگی می‌توان به، ایجاد خلاء و گسست امنیتی به دلیل قطع ارتباط میان اتحادیه اروپا و بریتانیا. در این وضعیت هم خلاء حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا برای این نهاد ملموس است و هم خلاء همکاری اتحادیه اروپا برای بریتانیا. در واقع این خلاء یک وضعیت متقابل برای هر دو طرف است.

به دلیل وجود این خلاء، درباره موضوعاتی نظیر مهاجرت، مواد مخدر و تروریسم، تهدیدات جدی برای بریتانیا و اتحادیه اروپا پدیدار می‌شود که هر دو طرف ناچار به همکاری با آمریکا هستند. (نورالدین و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۱۱)

پیامدهای خروج برگزیت برای ایران

برگزیت می‌تواند دارای پیامدهای مثبت یا منفی برای ایران باشد از پیامدهای مثبت برگزیت برای ایران می‌توان به این موضوع اشاره نمود که با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، رهیافت جناح آتلانتیک گرای اتحادیه اروپا کم‌رنگ می‌شود. این امر به معنای کاهش نفوذ نسبی آمریکا در اتحادیه اروپا است. دیگر اینکه حضور بریتانیا به نیابت از آمریکا در اتحادیه اروپا، موانع سیاسی را در راه گسترش روابط ایران و اروپا ایجاد می‌کرد. بنابراین خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به معنی رفع این مانع است. همچنین برگزیت می‌تواند منجر به کاهش نقش بریتانیا در محیط بین‌الملل شود. از سوی دیگر بریتانیا نمی‌تواند از اهرم فشار اروپا در تعاملات بین‌المللی خود بهره‌برد. ضمن اینکه این وضعیت می‌تواند منجر به استقلال اسکاتلند و ایرلند شمالی از بریتانیا شود. این شرایط باعث می‌شود تا بریتانیا که تبدیل به یک انگلستان کوچک شده است، بیش از هر زمانی دیگری به جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا نیاز داشته باشد. (محمدی، ۱۳۲۲: ۷۶-۷۵)

برگزیت می‌تواند دارای پیامدهای منفی هم برای ایران باشد. چنانکه پیش‌تر گفته شد بر اساس آمار و ارقام مستند، پیش‌بینی می‌شود که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، باعث کاهش رشد آمارهای اقتصادی این اتحادیه شود. با توجه به در هم تنیدگی روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، این امر بسیار محتمل است که تبعات منفی این وضعیت، به جمهوری اسلامی ایران هم تسری پیدا کرده و باعث زیان اقتصادی ایران شود. از سوی دیگر برگزیت می‌تواند باعث نزدیکی هرچه بیشتر بریتانیا به آمریکا شود. بنابراین بدیهی است که این نزدیکی می‌تواند در نهایت به افزایش فشارهای آمریکا و بریتانیا به ایران منجر شود.

((5; 2009, <http://www.enstituykurdi.org>))

نتیجه گیری

با توجه به عنوان این پژوهش و روشی که در این مقاله به کار گرفته شده است پیامد خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را می توان با توجه به رویکرد ساختار (strucuter) و کارگزار (Agent) که ونت در روش شناسی خود به کار برده است می توان تحلیل نمود در رویکرد ونت یک دیالکتیکی بین ساختار نظام بین الملل و کارگزاران آن وجود دارد و ونت در تحلیل خود به این موضوع می پردازد که هویت سرچشمه و منشا شکل گیری منافع است و هویت در اثر تعامل ساخته می شود و در شرائط گوناگون هویت ها به طرق مختلفی شکل می گیرند براین مبنا به نظر می رسد که بروز حملات تروریستی در خاورمیانه و ظهور داعش و افزایش مهاجرت ها از نقاط گوناگون دنیا به اروپا این قاره را دچار مشکلات و چالش های سیاسی و امنیتی نموده است که این چالش ها بر اقتصاد این کشورها نیز تاثیر گذار بوده است و از آنجا که انگلستان نیز از این رویداد مصون نبوده است لذا تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا نمود زیرا قوانین و مقرارتی را که در اتحادیه اروپا حاکم می دید نمی توانست جلوی پناه جویان و تروریسم را بگیرد بنابراین خروج انگلستان از اتحادیه اروپا را نمی توان عاملی در جهت بی ثباتی تلقی نمود بلکه عاملی در جهت محدود نمودن تروریسم و گسترش صلح می توان در نظر گرفت و همچنین عاملی است که نشان دهنده تحول در روابط بین الملل می توان ذکر نمود و به نقش مردم و سایر کنشگران در شکل دادن به روابط بین الملل می توان اشاره نمود، همچنین خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نشانه دیگری نیز با خود به همراه دارد و آن این مورد است که تنها پول و قدرت منبع شکل گیری قدرت و هژمونی در روابط بین الملل نیست مطابق دیدگاه های واقع گرایانه کلاسیک نظیر مورگنتا و همچنین روابط بین الملل را نمی توان از طریق قیاسی و کلی مورد بررسی قرار داد مانند رویکرد نئو واقع گرایی کنت والتز که در مطالعه روابط بین الملل رویکرد قیاسی را مورد نظر دارد و همچنین نگاه های لیبرالیستی که بر همگرایی از طریق کنش بازیگران (Agent) در روابط بین الملل توجه می نمایند و روابط بین الملل را در سطح تعاملات تجاری در نظر می گیرند نیز مورد سوال قرار می گیرد، بنابراین از مهمترین پیامدی که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا داشته است علاوه بر موارد گفته شده می توان از تحول اساسی در بررسی مسائل بین المللی و بررسی همه جانبه تر مسائل توجه داشت و می بایست رویدادهای بین المللی را به صورت صوری و ظاهری در نظر نگرفت بلکه به ژرفا و معنای آن نیز توجه داشت و این مساله ایی است که سبب به وجود آمدن هنجارهای جدید در روابط بین الملل و مطالعات سیاسی و بین

المللی می‌شود و اینکه برای یک رویداد نمی‌توان تنها یک عامل را برای مثال تاریخ یا فرهنگ و یا اقتصاد را در نظر گرفت، بلکه برای بررسی پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی می‌بایست علت‌ها و دلایل شکل‌گیری آن رویداد را سنجید و پس از آن پیامدهای نه صرفاً انتزاعی بلکه تکوین یافته آن را در شرائط زمانی و مکانی مورد بررسی قرار داد و از کلی‌گرایی صرف و جزئی‌گرایی صرف اجتناب نمود. از نظر سیاسی نیز می‌توان پیامد خروج بریتانیا را در مقابل نظریه "راه سوم" انتونی گیدنز جامعه‌شناس معاصر و مشاور تونی بلر قرار داد که قائل به فراسوی چپ و راست است، ولی پیامد این خروج نشان می‌دهد که راست در بریتانیا تقویت شده است و نمی‌توان در سیاست قائل به دیدگاه فراسوی چپ و راست و جهانی شدن صرف اندیشید.

فهرست منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۶) برگزیت و پیامدهای حقوقی، ژئوپولیتیک، سیاسی، امنیتی آن، نشریه وزارت علوم، شماره ۱۵۷: ۲۲-۱۵۸
- ابوک، کریس (۱۳۹۴)؛ ترکیه، ترجمه: مهسا خلیلی، تهران، نشر ققنوس
- بیات، سبحان، کلاتری، پویا (۱۳۹۷) بررسی روند بازگشت انگلستان به غرب آسیا، از ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۹، فصلنامه علمی و تخصصی، ره آورد سیاسی، شماره ۵۲: ۳۱-۷
- ترابی، شهرام (۱۳۹۲)؛ ترکیه و بازار مشترک اروپا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه
- رفیعی، محمد علی (۱۳۹۶). سه نسل، سه گفتار در فرهنگ استراتژیک، تهران، موسسه مطالعات راهبردی ابرار معاصر.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۹۱)؛ اصلاحات اقتصادی در ترکیه، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰
- صالحی، محمد (۱۳۹۰)؛ روند الحاق ترکیه به اروپا، روزنامه اطلاعات
- صباغیان، علی، باقری، ابراهیم (۱۳۹۶) بررسی و تحلیل ساختارمند روابط بریتانیا با اتحادیه اروپا از عضویت تا برگزیت، مجله سیاست، دوره ۴۷، شماره ۴: ۹۴۹-۹۶۸
- فرسای، شهرام (۱۳۹۰)؛ تحولات نوین سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا، تهران: وزارت امور خارجه
- قدیری، نیلوفر (۱۹۱)؛ آغاز دوران جدید در تاریخ ترکیه، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۹۳)؛ ترکیه و اروپا معضل دو جانبه، کتاب ویژه اتحادیه اروپا، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر
- لواسانی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)؛ عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰
- محمدی، احمد (۱۳۸۸)؛ آثار پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی بر امنیت و منافع ملی ج.ا.ا، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روابط بین الملل
- مسائلی، محمود (۱۳۹۲)؛ اتحادیه اروپا، تهران: وزارت امور خارجه
- نظافت، عزیز (۱۳۸۴)؛ شورای اروپا، تهران: وزارت امور خارجه
- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۳)؛ اتحادیه اروپا از آغاز تاکنون، تهران: نشر قومس
- نورالدین، محمد و موسوی، سید حسین (۱۳۹۳)؛ ترکیه جمهوری سرگردان، تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- یاسمی، رشید (۱۳۸۹)؛ کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی، تهران: نشر آثار

- Bordonaro F, Turkey's Accession Divides the EU, Available in <http://www.Pinr.com>
- Erdogan M, (1999) "Islam in Turkish politics- turkey's Quest for democracy without Islam", No.15
- Gordon F, Turkey's European Quest: The EU's Decision on Turkish Accession. Available in: www.brookings.edu
- Michael Rubin, The Future of Turkey and Europe ,<http://www.meforum.org/Article/770>.
- Mine E, Becoming Western (2009) Turkey and the EU, NewYork: Routledge.
- <http://www.about-turkey.com/irdiplomacy.ir/index.php>.
- <http://www.brookings.edu/fp/cuse/analysis/index.htm>.
- <http://www.enstituyakurdi.org>.
- <http://www.europa.eu.int/com/eniagement/report2003/strategy-en.pdf>.
- <http://www.eustudies.org/Fmop>.
- <http://www.fa.wikipedia.org/wiki/2009>
- <http://www.hamshahrionline.ir/2010/7/20>
- <http://www.igeme.org.tr.php>.
- <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2007/01/data/>
- <http://www.Irna.com> 15/7 /1384
- <http://www.mfa.gov.tr/europa/tv.bsiness.htm>.
- <http://www.torkiye.com>.
- <http://www.trt.net.tr/trtinternational/fa/newsDetail/2009/11/13>
- <http://www.turkishembassy.org/governmentpolitics/index.htm>.
- Chathamhouse.org/2021/01/eu-uk-Relations-Time-New-Normal-Post Brexit
- Amaedo,Kimberly(2019)brexit consequences for the uk, the eu, united states, last seen 2019,available at the balance:<https://www.thebalance.com/Brexit-consequences-4062999>
- Elijah,Aquah-Andoh,
- ofelebuguegus,Augustine,c.Theophilus,Stephen(2019)Brexit and ukenergy security:prespectives from unconventional gas investment and the effect of shale gas on uk energy prices, school of energy.